

شامگاه جمعه، میدان انقلاب تهران صحنه‌ای از تاریخ شد، اما نه فقط به‌خاطر رونمایی از مجسمه شاپور اول ساسانی و امپراتور مغلوب روم، بلکه به‌خاطر موجی از واکنش‌ها، تردیدها و غرور ملی که در فضای مجازی و رسانه‌ها شکل گرفت. آیا واقعا والرین بود که در برابر شاپور زانو زد؟ یا فیلیپ عرب؟ این پرسش تاریخی، در کنار شور اجتماعی پویش «مقابل ایران دوباره زانو می‌زنید»، مجسمه‌ای سنگی را به نقطه‌ای داغ از گفت‌وگوهای فرهنگی و سیاسی تبدیل کرد.

■ ■ ■

آنچه مجسمه میدان انقلاب را فراتر از یک اثر هنری ساده قرار داد، نه فقط بازنمایی یک صحنه تاریخی، بلکه ورود آن به قلب منازعات هویتی، روایت‌های ملی و بازخوانی تاریخ بود. برخی آن را نماد عزت و اقتدار ایران دانستند، برخی دیگر به دقت تاریخی‌اش خرده گرفتند. در میانه این دو نگاه، یک چیز روشن بود، مجسمه شاپور و امپراتور مغلوب، توانست تاریخ را از دل سنگ‌نگارهای نقش‌ستم بیرون بکشد و جریان بسازد.

■ از وصیت ا زانو زدن والرین

شاپور اول، پسر اردشیر بابکان و دومین شاهنشاه ساسانی، پس از جانشینی پدر بر ایران، با تهدیدهای نظامی از سوی امپراتوری روم مواجه شد. همان‌طور که خسرو معتضد، تاریخ‌نگار معاصر در گفت‌وگو با «جوان» نقل می‌کند: «اِردشیر به پسرش وصیت می‌کند که مواظب زُوال‌های رومی با لگات‌ها باشد، زیرا آنها همیشه در صدد حمله به ایران هستند».

در آغاز سلطنت شاپور، امپراتوری روم با جمعیتی حدود ۵۴ میلیون نفر، قلمرویی گسترده شامل سوریه، فلسطین، عربستان، ترکیه، فرانسه، آلمان، انگلستان، رومانی و مجارستان داشت. این گسترده‌گی باعث شد که نیروهای رومی قصد حمله به ایران را کنند و از مناطق مختلف وارد شوند.

اولین حمله مهم را گوردیان سوم صورت داد. معتضد توضیح می‌دهد: «گوردیانوس قصد داشت انتقام خون امپراتوران پیشین روم را از ایرانیان بگیرد و شاپور را اسیر کند تا در جشن هزارمین سال تأسیس شهر رم به صلیب بکشد، اما سپاه ایران او را شکست داد و گوردیانوس کشته شد. پس از آن، فیلیپ عرب، امپراتور بعدی روم، با ایران صلح کر و برای ۱۴ سال آرامش برقرار شد». این تاریخ‌نگار معاصر ادامه می‌دهد: «در سال ۲۵۳ میلادی، والرینوس با سپاهی حدود ۷۰ هزار نفر به ایران حمله کرد. شاپور با تاکتیک‌های محاصره و عملیات چریکی، سپاه روم را تضعیف کرد، نبرد را به نفع خود، سارت تعدادی از ستانور، زُوال‌ها و مقامات بلندپایه رومی بود. با این وجود، شاپور از رفتار خشونت‌آمیز اجتناب کرد.»

پیروزی شاپور بر فیلیپ عرب و والرین در کتیبه‌های نقش‌ستم و نقش‌رب ثبت شده‌است. خسرو معتضد در این رابطه می‌گوید: «در این نقش برجسته‌ها، والرین از برابر شاپور درخواست بخشایش می‌کند و فیلیپ عرب نیز به زانو افتاده و دست‌تما به سوی شاپور دراز کرده‌است.»

مرض قند زندگی ۷/۵ میلیون نفر از مردم کشورمان را تلخ کرده و ۹ میلیون نفر هم در مرحله پیش‌دیابت قرار دارند؛ نکته قابل‌تأمل اینکه این بیماری زمینه‌ساز بسیاری از بیماری‌های دیگر نیز هست، چنانچه آنطور که رئیس پژوهشکده غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران می‌گوید ۱۰ تا ۱۵ درصد منابع سلامت کشور به دیابت اختصاص می‌یابد و در ایران نیز این بیماری حدود ۲۰۰ هزار سال عمر مفید مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حالا قرار است وزارت بهداشت از هوش مصنوعی برای مراقبت از بیماران دیابتی کمک بگیرد و به زودی سکوی مراقبت از دیابت راه‌اندازی می‌شود که شامل دستیار پزشکان برای دیابت و امکان تعامل دائمی بیماران با اطلاعات صحیح خواهد بود. ■ ■ ■

مطابق آمارها سالانه ۱۸ میلیون نفر در جهان دچار مرگ زودرس بر اثر بیماری‌های غیرواگیر می‌شوند. یکی از مهم‌ترین بیماری‌های غیرواگیر دیابت است که در صد قابل توجهی از هزینه‌های نظام سلامت اکثر کشورها صرف آن می‌شود. در جهان، از هر ۹ نفر یک نفر به دیابت مبتلای و حدود ۶۰۰ میلیون نفر دیابتی وجود دارد و متأسفانه پیش‌بینی می‌شود این آمار تا سال ۲۰۵۰ به حدود ۸۵۰ میلیون نفر برسد و این مسئله در کشور‌های با درآمد کمتر، جدی‌تر است. در دنیا از هر ۹ نفر یک نفر دیابتی است. حدود ۶۳۵ میلیون نفر دچار پیش‌دیابت هستند و در منطقه مدیترانه شرقی شیوع دیابت بیشتر است.

■ صرف ۱۰ تا ۱۵ درصد منابع برای دیابت

دیابت تمام مراحل زندگی از جمله کودکی، سال‌های باروری، سن کار و پره‌وری و سالمندی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پیشگیری، مدیریت و ارتقای کیفیت زندگی با دیابت، در کل دوره زندگی اهمیت دارد. طبق آمارها هفت نفر از هر ۱۰ نفر دیابتی در سنین کار و به‌روری هستند و سه نفر از هر چهار نفر دیابتی اضطراب، افسردگی و به‌بیماری‌های روحی روانی را تجربه کرده‌اند.

در کشور ما هم بین ۱۰ تا ۱۵ درصد منابع حوزه سلامت صرف دیابت و عوارض آن می‌شود و ۳۰۰ هزار سال عمر مفید مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ۱۷ تا ۲۳ آبان همتی ملی دیابت نامگذاری شده تا به

تاریخ‌شناسی مجسمه جدید نصب شده در میدان انقلاب در گفت‌وگوی خسرو معتضد با «جوان»

پیروزی ایرانیان بر والرین و فیلیپ برجسته‌تر از نقش برجسته‌هاست



محمدمهدی پورعرب | ایرنا

این کتیبه‌ها را مورخان اروپایی و پژوهشگران ایرانی از جمله اُر تور کریستنسن و دکتر جواد مشکور، بررسی کرده‌اند و مستند است. شاپور همچنین پس از پیروزی، آتشکده‌ای بر پا کرد، موقوفاتی برای آن اختصاص داد و تصاویر سرسبازان و متحدان خود را در سنگ‌نگارها ثبت کرد.

معتضد در توضیح اهمیت این مجسمه می‌گوید: «بعد از توصیه رهبر معظم انقلاب، شهرداری تهران به این فکر افتاد که این مجسمه را بسازد. هدف این است که افتخارات تاریخی ایران به مردم یادآوری و روحیه ملی تقویت شود که اقدام بسیار خوب و مفیدی است.»

او همچنین بر لزوم ساخت مجسمه‌های دیگر تأکید می‌کند: «ما باید مجسمه‌های بزرگان ایران را مثل یعقوب لیث یا عبدالله ابن مقفع (اولین فارسی‌دان که زبان عربی را به فارسی ترجمه کرد) بسازیم. هزاران نفر در تاریخ ایران هستند که باید هم‌شان با افتخار به نسل‌های بعد معرفی شوند، همچون نظامی‌گنجوی، سعدی، حافظ، خیام، سننار خان، باقر خان، دهخدا، دکتر مصدق، آیت‌الله طباطبایی، آیت‌الله بهبهانی و سیدجمال‌اصفهانی.»

معتضد معتقد است که باید برای پیام این مجسمه، اهمیت قائل شویم و نه حواشی مربوط به آن که آیا در این تصویر، کسی که زانو زده والرین است یا فیلیپ عرب؛ تاریخ به ما می‌گوید که والرین در مقابل شاپور زانو زده، اما حتی اگر این مجسمه دقیقاً والرین را به تصویر نکشیده‌باشد هم، باید توجه داشت که شاپور توانست گوردیانوس را بکشد و هم فیلیپ عرب و هم والرین را به

زانو درآورد و بر آنها پیروز شود که بدون شک این یک افتخار تاریخی بزرگ برای ایرانیان است.»
با این توضیح، مجسمه و نقش برجسته‌ها تنها یک رویداد تاریخی افتخارآفرین را نشان می‌دهند، بلکه به عنوان نماد قدرت و اقتدار ملی، پیام مقاومت ایرانیان را به نسل امروز منتقل می‌کنند که باید به آن توجه ویژه‌ای شود.

معتضد در پایان تأکید دارد که می‌توان مجسمه داریوش و اردشیر ساسانی و شاه عباس و نادرشاه و سوزنا که همه‌شان قابل نصب شدن در جای جای کشور هستند، به علاوه ستارگان علم و دانش ایران را ساخت و در معرض دید عموم قرار داد. افتخارات تاریخی که کشور‌های دیگر از داشتن آن محروم هستند و ما باید از این ظرفیت به بهترین شکل ممکن استفاده کنیم.

■ زانو زدن والرین یا فیلیپ عرب؟

مجسمه‌ای که در میدان انقلاب تهران رونمایی شد، برداشتی هنری از سنگ‌نگاره معروف نقش رستم است، تصویری از پیروزی شاپور اول ساسانی بر امپراتوران روم. در این نقش برجسته تاریخی، شاپور در برابر دو امپراتور رومی ایستاده؛ والرین، که در سال‌های ۲۵۳ تا ۲۶۰ میلادی حکومت می‌کرد، و فیلیپ عرب، امپراتور پیشین روم بین سال‌های ۲۴۴ تا ۲۴۹ میلادی.

■ بازتاب‌های مجازی یک مجسمه تاریخی

اما خارج از حواشی پیش‌آمده در رابطه با رونمایی از مجسمه شاپور اول ساسانی و والرین در میدان

انقلاب تهران، موجی از واکنش‌های پرشور در فضای مجازی و میان‌چهره‌های سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای کشور نیز به راه افتاد. این مجسمه که صحنه‌ای از تسلیم تاریخی امپراتور روم در برابر شاه ساسانی را بازآفرینی می‌کند، به نمادی از عزت ملی و بازخوانی تاریخ ایران باستان تبدیل شد.

سیدعباس موسوی، دیپلمات و معاون پیشین وزارت امور خارجه، با لحنی حماسی نوشت: «مقابل ایرانیان دوباره زانو می‌زنید! #شان_الله». این جمله، به‌نوعی لحن غالب بسیاری از واکنش‌ها را بازتاب می‌دهد: بازگشت غرور، عزت و اقتدار تاریخی ایران.

جواد گیانه، مشاور اجتماعی ریاست‌جمهوری، این اقدام را «مادین و مهم» در بازنگری‌های پساجنگ دانست و آن را در کنار تصویب قطعنامه منشور کوروش توسط یونسکو، گامی مؤثر در تقویت هویت ملی خواند. علیرضا سلیمی، نماینده مجلس، تأکید کرد که زانو زدن والرین «فقط مربوط به گذشته نیست» و آن را نشانه‌ای از تکرار تاریخ در برابر اراده ملت ایران دانست. مجتبی زارعی نیز با لحنی استعاری، والرین را «ترامپ‌شاه» خواند و گفت: «او که ۱۷۶۰ سال پیش مرد، اینکه در میدان انقلاب زانو زد.»

چندین چهره سیاسی از شهرداری تهران بابت این اقدام تقدیر کردند. حسین مصماعی، عضو کمیسیون اقتصاد مجلس، آن را نشانه‌ای از «تعظیم دوباره غرب» در برابر ملت ایران دانست. عبدالمطهر محمدخانی، سخنگوی شهرداری، نیز از حضور پرشور مردم در میدان انقلاب و خواندن سرود «ای ایران» سخن گفت. عبدالله گنجی نیز با اشاره به اتمام بی‌توجهی جمهوری اسلامی به نمادهای ملی-باستانی گفت: «تا دیروز می‌گفتند به نمادهای ملی بی‌تفاوتید، حالا فحش می‌دهند که به شما این کارها نمی‌آید!»

همچنین برزین جعفرناش، خبرنگار آینده‌پژندن، این شب را «قطعه عطفی» در تاریخ جمهوری اسلامی دانست که در آن، هویت ملی و دینی به‌صورت رسمی در کنار هم قرار گرفتند. کاربران فضای مجازی نیز با زبان‌های مختلف از این رویداد استقبال کردند. از گلرخ غفاری که آن را نماد «امت تسلیم‌ناپذیر» دانست، تا زهرا شاه‌سنجدی که نوشت: «نه برای انگشت، بلکه برای آینه‌دای که بداندید: هویت ایرانی زامن‌ی‌توان شکست داد.» افشین کوشانیز این صحنه را «پیروزی شرف بر زر و زور» توصیف کرد.

برخی کاربران مانند کیخسرو صامعی و بهنود گلی، این مجسمه را تحلی پیام‌های راهبردی دانستند؛ از همدار متجاوزان تاریخی تا یادآوری تسخیر سفارت آمریکا به‌عنوان نماد تحقیر ابرقدرت‌ها. در پایان، کاربری به نام «پاس» نوشت: «گاه از دیدن مجسمه والرین و سرداران ایرانی در میدان انقلاب احساس غرور کردی، برو دست پدر و مادر تو ربوس، چون تو یه ایرانی وطن‌پرست و باشرفی.»

به گزارش «جوان»، بدون شک مجسمه شاپور اول و والرین، اگرچه از سنگ ساخته شده، اما حامل پیامی زنده است، اینکه تاریخ ایران، تاریخ ایستادگی است، از نقش‌رستم گرفته تا میدان انقلاب.